

### اعلامیه مطبوعاتی

زن نان آوردر غزه؛ میان سرپرستی خانواده و تلاش برای زنده ماندن

(ترجمه)

مرکز مطالعات سیاسی فلسطینی فاش ساخت که جنگ بر نوار غزه، باعث گسترش بی سابقه پدیده «زن نان آور» شده است؛ آن هم در حالی که شمار زنان بیوه به بیش از ۲۲ هزار تن رسیده است.

این مرکز در یک برگه تحلیلی تحت عنوان «زن نان آور در نوار غزه؛ اقتصاد جنگ و بازتولید فقر اجتماعی» توضیح داد که از دست رفتن نان آوران خانواده در نتیجه جنگ، دگرگونی های عمیقی را در ساختار خانواده های فلسطینی به وجود آورده است؛ به گونه ای که ده ها هزار کودک، یکی از والدین خود را از دست داده اند. در نتیجه این وضعیت، زنان ناگزیر شده اند مسئولیت های چندگانه ای را بر دوش بکشند؛ مسئولیت هایی که هم تأمین مصارف اقتصادی خانواده را در بر می گیرد و هم سرپرستی و مراقبت از اعضای خانواده را؛ آن هم در سایه نبود کامل کمک ها و حمایت های بیرونی؛ وضعیتی که فشارهای اقتصادی، روانی و اجتماعی بر زنان را به شدت افزایش داده است.

اطلاعات میدانی، ابعاد فاجعه ای را که زنان غزه با آن روبه رو اند، آشکار می سازد. براساس این داده ها، بیش از ۶۰۲۰ خانواده به گونه ای کامل نابود شده اند؛ به طوری که در بسیاری از موارد تنها یک بازمانده از خانواده باقی مانده که غالباً زن یا کودک بوده است. هم چنان ۲۷۰۰ خانواده به صورت کامل از میان رفته اند. شهادت و بازداشت ده ها هزار مرد فلسطینی نیز سبب شده که زنان آنان به تنهایی مسئولیت سرپرستی خانواده های شان را در دشوارترین شرایط انسانی و اقتصادی به عهده بگیرند.

آمارهای موجود نشان می دهد که ده ها هزار زن بیوه در غزه زندگی می کنند و دست کم ۵۳۷۲۴ کودک، یکی از والدین خود را از دست داده اند که بیشتر آنان پدر خود را از دست داده اند. افزون بر آن، ۲۵۹۶ کودک نیز هر دو والد خود را از دست داده اند.

برآوردهای تازه نشان می دهد که اکنون بیش از ۵۸۶۰۰ خانواده در غزه توسط زنان اداره می شود؛ یعنی نزدیک به ۱۴ درصد مجموع خانواده ها. این بدان معناست که زن دیگر تنها یک عضو فعال در درون خانواده نیست، بلکه در بخش گسترده ای از خانواده ها به محور تصمیم گیری تبدیل شده است. اما این تحول در چارچوب توانمندسازی بانبات و طبیعی رخ نداده، بلکه در فضای آوارگی گسترده، فروپاشی شبکه های حمایتی و نبود امنیت اقتصادی شکل گرفته است.

همچنان زنان نان آور بیشتر در معرض آوارگی و بی ثباتی قرار دارند؛ به گونه ای که آمارها نشان می دهد ۸۸ درصد خانواده هایی که توسط زنان اداره می شوند، آواره شده اند؛ در حالی که این رقم در سایر خانواده ها ۷۷ درصد است.

این ارقام تنها بازتاب دهنده خسارات انسانی نیست، بلکه نشان دهنده فروپاشی گسترده در ساختار سنتی خانواده و انتقال اجباری مسئولیت نان آوری به زنان است؛ انتقالی که این پدیده را از چند مورد محدود و فردی، به یک وضعیت اجتماعی فراگیر و اثرگذار تبدیل کرده است.

افزون بر این، فعالیت اقتصادی در غزه تقریباً به مرحله فروپاشی کامل رسیده است. برآوردها نشان می دهد که میزان بیکاری عمومی در سال ۲۰۲۵ م به حدود ۶۸ درصد رسیده و میزان مشارکت در بازار کار نیز پس از جنگ از حدود ۴۰ درصد به تنها ۲۵ درصد کاهش یافته است. اقتصاد غزه در تمامی بخش های تولیدی وارد مرحله «فروپاشی نزدیک به کامل» شده است؛ به این معنا که بازار دیگر توان ایجاد فرصت های کاری یا جذب نیروی کار تازه را ندارد. در نتیجه این وضعیت، مشکل زنان نان آور دیگر تنها یافتن شغل نیست، بلکه اصل نبود بازار کار است.

همچنان داده‌ها از بحران شدید در ساختار بازار کار پرده برمی‌دارد؛ جایی که میزان بیکاری زنان به ۹۲ درصد رسیده و مشارکت اقتصادی آنان تنها ۱۷ درصد است. افزون بر آن، نسبت خانواده‌هایی که توسط زنان اداره می‌شوند، از ۱۲ درصد پیش از جنگ به ۱۸ درصد در دوران جنگ افزایش یافته است. این وضعیت، تناقض دردناکی را نشان می‌دهد؛ زیرا در حالی که مسئولیت اقتصادی زنان پیوسته بیشتر می‌شود، فرصت‌های دسترسی آنان به کار و درآمد، روزبه‌روز کمتر می‌گردد.

این آمارها و ارقام تنها بخشی از رنج دوام‌دار این زنان را به تصویر می‌کشد؛ زنانی که بدون هیچ راه‌حل روشنی در افق، با زندگی‌ای سخت و طاقت‌فرسا روبه‌رو اند؛ زندگی‌ای که تقریباً از تمام ابتدایی‌ترین معیارهای یک حیات انسانی باکرامت خالی شده است. نقش آنان دیگر تنها به تربیه و مراقبت از فرزندان محدود نمی‌شود، بلکه به نبرد بی‌وقفه برای زنده‌ماندن تبدیل شده است.

اکنون بیشتر این زنان در خیمه‌های فرسوده یا خانه‌های ویران‌شده زندگی می‌کنند؛ مکان‌هایی که از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی، همچون آب، برق، گاز و خدمات صحتی محروم اند. آنان حتی از «رفاه غم‌خوردن» نیز محروم شده‌اند؛ زیرا مجبور اند احساسات خود را سرکوب کنند و اندوه خویش را تا زمانی نامعلوم به تعویق اندازند تا بتوانند فرزندان‌شان را آرام سازند و خلأ ناشی از نبود پدران را -چه در نتیجه شهادت و چه اسارت- جبران کنند. بدون تردید، تمام این وضعیت، تأثیرات سنگین روانی، جسمی، اقتصادی و اجتماعی بر آنان برجا گذاشته است.

همه این فجایع در حالی رخ می‌دهد که جهان سرگرم نزاع‌ها و طمع‌ورزی‌های خویش است و نهادهای مدعی دفاع از زنان، در خوابی عمیق فرو رفته‌اند؛ خوابی که تنها هنگام حمله بر اسلام، احکام و تشریحات آن از آن بیدار می‌شوند.

پس ای مسلمانان! دیگر منتظر چه هستید؟ آیا منتظرید که بر زنان و مادرانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در خطبه حجه الوداع و در احادیث فراوان دیگر، شما را نسبت به آنان سفارش فرموده است، فاجعه‌ای بزرگ‌تر نازل گردد؟! آیا ده‌ها هزار قربانی با همه گونه‌های رنج و مصیبت‌شان، هنوز هم هیچ احساس و حرکتی در شما ایجاد نمی‌کند؟! آیا کارتان به جایی رسیده که مشمول این سخن الله سبحانه و تعالی شده‌اید:

﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشْقُقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ [البقرة: 74]

ترجمه: سپس دل‌های شما بعد از آن سخت شد؛ همانند سنگ یا سخت‌تر از آن. و برخی سنگ‌ها چنان‌اند که جویبارها از آن می‌جوشد، و برخی از آن‌ها می‌شکافتند و آب از آن بیرون می‌آید، و برخی دیگر از ترس الله فرو می‌افتند؛ و الله سبحانه و تعالی از آنچه انجام می‌دهید، غافل نیست.

دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر - بخش زنان